

بسم الله الرحمن الرحيم

درگیری‌ها میان نیروهای امنیتی افغانستان و پاکستان در دو سوی خط دیورند

(ترجمه)

پرسش:

هر ازگاهی میان نیروهای امنیتی افغانستان و پاکستان در دوسوی خط دیورند درگیری‌هایی رخ می‌دهد که در نتیجه آن ده‌ها تن زندگی خود را از دست می‌دهند. از زمان به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان در نیمه‌ماه آگست 2021م، تنش‌های مرزی افزایش یافته، دلیل آن چیست؟ و این‌که آیا تنش‌های مذکور اسباب داخلی دارد و یا خارجی؟

پاسخ:

برای روشن شدن اسباب این تنش‌ها، موارد زیر را بررسی می‌نماییم:

اول) واقعیت تاریخی و جغرافیایی افغانستان و پاکستان:

1. در سال 1893م سرمورتیمر دیورند، وزیر خارجه وقت انگلیس و امیر عبدالرحمن خان پادشاه افغانستان توافق‌نامه‌ای را امضا نمودند که بر اساس آن، مرز موسوم به "خط دیورند" به طول 2640 کیلومتر میان افغانستان و پاکستان، که از شمال شرق تا جنوب غرب افغانستان ادامه دارد، به وجود آمد. این مرز به عنوان مرز رسمی میان پاکستان و افغانستان شناخته شد و قبایل پشتون را به دو بخش در دو سوی مرز تقسیم نمود. جهت معلومات باید گفت که ساکنین مناطق مرزی میان دو طرف را اکثرأ پشتون‌ها تشکیل می‌دهند و پشتون‌ها اکثریت نفوس افغانستان را نیز تشکیل می‌دهند؛ چنانچه حدود 40% از اتباع این سرزمین، پشتون‌ها هستند و تمام حکام آن در طول دو قرن، پشتون بوده‌اند. در پاکستان پشتون‌ها پس از پنجابی‌ها بیشترین نفوس را دارند. در هر صورت؛ افغانستان خط مرزی مذکور را به رسمیت نشناخته، مخصوصاً با توجه به این‌که انگلیس در زمان ترسیم خط دیورند در 12 نومبر 1893، ساختار جیوسیاسی، نژادی و قبیله‌ی منطقه را در نظر نگرفته و ترسیم آن به گونه خودخواسته و با در نظر داشت منافع استعمارگرانیه انگلیس صورت گرفته است. انگلیس‌ها مانند بسیاری از قدرت‌های پیش از خود تلاش نمودند بالای مناطق مرزی مذکور مسلط شوند؛ مناطقی که قبایل سرکش آن بر فراز کوه‌ها رفته و هرگز تسلیم تلاش‌های توسعه‌طلبانه فارس و حکام هند نشدند. انگلیس در زمان تجاوزش به افغانستان، شکست نظامی شرم‌آوری را میان سال‌های 1839 تا 1842م در این سرزمین متحمل گردید. سپس در سال 1878م، یکبار دیگر به افغانستان تجاوز نمود؛ اما دو سال بعد نیروهایش را از آنجا بیرون کشید. لیکن نفوذ انگلیس توسط حکام افغانستان، که در سال 1879م توافق‌نامه گندمک را امضا نموده بودند، همچنان در افغانستان باقی ماند و بر اساس توافق‌نامه مذکور، افغانستان مناطق وسیعی از خاک خود را به نفع انگلیس‌های استعمارگر، که بر شبه‌جزیره هند اسلامی حکومت می‌نمودند، از دست داد. حکام افغانستان پذیرفتند که انگلیس بالای روابط خارجی سرزمین‌شان اشراف داشته باشد؛ در حدی که انگلیس در بدل مقدار کمک نقدی، روابط خارجی افغانستان را با خودش خلاصه نموده بود.

2. در حول و حوش نیمه قرن بیستم، انگلیس بالای هر دو سرزمین؛ "افغانستان و پاکستان" و سیاست آن‌ها مسلط گردید و این وضعیت تا سقوط نفوذش از طریق انقلاب‌های نظامی در پاکستان، که توسط امریکا طراحی گردیده بود و سقوط نظام پادشاهی در افغانستان و تسلط روس‌ها در زمان اتحاد جماهیر شوروی بر آن و اشغال آن در اواخر سال 1979م، ادامه داشت؛ اما روس‌ها در افغانستان شکست ننگینی خورده و ذلیلانه از آن بیرون رفتند. سپس امریکا شروع به فعالیت نمود تا خودش را در این سرزمین جای‌گزین روس‌ها نموده و نفوذ خود را از طریق پاکستان و عربستان سعودی، که تابع امر آن بودند، در افغانستان بگستراند. سپس حکومت اول طالبان در سال 1996م در افغانستان برپا گردید؛ حکومتی که امریکا آن را در سال 2001م سقوط داد و به این ترتیب افغانستان را اشغال نمود. اما همین امریکا پس از بیست سال اشغال این سرزمین و با متحمل شدن شکست نظامی در سال 2021م از افغانستان بیرون رفت و به این ترتیب؛ گروه طالبان از تاریخ 15 آگست 2021م یکبار دیگر بر افغانستان حاکم گردید.

دوم) درگیری های اخیر میان افغانستان و پاکستان:

1. پس از آن که امریکا بر اساس توافقنامه دوحه در ماه آگست 2021م از افغانستان بیرون رفت و گروه طالبان قدرت را در کابل در دست گرفتند، با صدای رسا و به گونه علنی با اقدامات مرزی پاکستان مخالفت نمودند و به این ترتیب، فعالیت های تحریک آمیز مرزی میان دو طرف در دو سوی مرز موجود، بالا گرفت. پاکستان هر از گاهی با اعمال فشار بالای مهاجران افغان و خانواده های پشتونی که قبلاً با سهولت در مرز رفت و آمد داشتند و هیچ کسی مانع آنان نمی شد، به تنش ها دامن می زد و این تنش ها گاهی با درگیری هایی برای باز نمودن مرز و عبور و مرور کالاها و مردم همراه بود که در مواردی منجر به کشته و زخمی شدن شماری نیز می گردید. سپس پاکستان فشار هایش را افزایش داده و برای نخستین بار در تاریخ این مرز، داشتن ویزا را برای ورود به پاکستان بالای افغان ها الزامی نمود. اقدام پاکستان برای ساخت مانع مرزی به ارتفاع 3متر در حدود صدها کیلومتر و با هزینه ملیون ها دالر نیز تنش ها را تشدید نمود. مانع مرزی مذکور به بهانه کنترل جریان کالاها و صادراتی و وارداتی و عبور و مرور افراد و جلوگیری از ورود "تروریستان" بنا گردید. به این ترتیب، مانع مرزی یاد شده یکی از اسبابی بود که باعث تنش ها و درگیری ها در منطقه مرزی میان این دو سرزمین گردید. سپس حکومت طالبان از ادامه نصب مانع مرزی توسط پاکستان در فاصله حدود 2700 کیلومتر ممانعت نمودند و این در حالی است که حدود 90% کار مانع مرزی مذکور تمام شده بود. حکومت اشرف غنی پیش از آن که سقوط کند، با نصب این مانع مرزی موافقت نموده بود؛ اما اینک هرگاه نیروهای پاکستانی تلاش نمودند مانع مرزی را نصب نمایند، با ممانعت حکومت طالبان مواجه گردیده اند و این امر منجر به درگیری هایی میان نیروهای دو طرف مرز گردیده که در مواردی شماری کشته و زخمی نیز در دو طرف به جا گذاشته است. مینا گل زدران، والی ولایت خوست افغانستان در اظهاراتی در این خصوص گفته: «موقف طالبان در این خصوص همگام با طبیعت قبائل موجود در دو سوی مرز است، نمی توان میان فرزندان یک قوم و قبیله، که عرف، دین و جامعه واحد دارند، مانع مرزی گذاشت. مردم ساکن در دو سوی مرز روابط خانوادگی دارند و قبایل به همین دلیل از همان ابتدا با ساخت این مانع مخالف بودند؛ اما کاری از دست شان بر نمی آمد. حکومت اشرف غنی در خصوص ساخت این مانع مرزی موافقت نموده بود؛ اما طالبان اهمیت قبایل را در قبال خود درک می کند و تمام توان خویش را از همین قبایل گرفته است.» (منبع: العربی الجدید 19 اپریل 2022م)

2. به این ترتیب بود که اوضاع میان این دو سرزمین بحرانی شد؛ به ویژه زمانی که پاکستان، گروه حاکم طالبان را متهم نمود که مانع حمله گروه طالبان پاکستان به اردوی پاکستان نمی شود؛ سپس پاکستان اقدام به پرتاب موشک به مناطقی در داخل افغانستان نمود و ادعا نمود که گروه طالبان پاکستان را هدف قرار داده است. خصومت ها میان دو طرف شدت گرفت؛ سپس گروه طالبان پاکستان، حکومت پاکستان را متهم نمود که پاکستان هنوز گذرگاه هواپیماها/جنگنده های امریکا برای هدف قرار دادن افغانستان است؛ مانند حمله ای که منجر به درگذشت ایمن الظواهری، رهبر القاعده در کابل گردید. «ملا محمد یعقوب سرپرست وزارت دفاع حکومت طالبان در اظهاراتی گفت: پاکستان نباید اجازه دهد، هواپیماهای بدون سرنشین امریکا برای ورود به آسمان افغانستان از فضای پاکستان استفاده نمایند. ماه گذشته موشکی که یک هواپیمای بدون سرنشین امریکایی پرتاب نمود، ایمن الظواهری، رهبر القاعده را در کابل کشت. ملا یعقوب در خصوص آن گفت که چنین هواپیماها از پاکستان وارد افغانستان می شود.» (منبع: بی بی سی 28 آگست 2022م)

3. گروه طالبان پاکستان منافع پاکستان را چه در داخل پاکستان و چه در افغانستان هدف قرار دادند. اردوی پاکستان در واکنش به مواضع این گروه در داخل افغانستان حمله نمود و با حملات هوایی در ماه مارچ 2022م، مناطقی را در ولایت های خوست و کنر در شرق افغانستان هدف قرار داد که منجر به کشته شدن 47 تن گردید. این حملات هوایی پاکستان در پاسخ به حملاتی بود که از مناطق مرزی افغانستان، مناطقی را در داخل خاک پاکستان هدف قرار داده بود و 7 تن از سربازان پاکستانی را در منطقه وزیرستان به قتل رسانیده بود. کسانی که این حمله را انجام داده بودند، افراد مسلحی بودند که با سهولت تمام و بدون هیچ گونه مانعی در داخل خاک افغانستان گشت و گذار دارند. حکومت طالبان، حکومت پاکستان را هشدار داد که ساکت نخواهد نشست و در صورتی که چنین حملاتی تکرار شود، با قوت تمام پاسخ خواهد داد. هر چند با وساطت حکومت افغانستان به تاریخ 2 جون 2022م میان گروه طالبان پاکستان و حکومت پاکستان توافق آتش بس صورت گرفت؛ اما زمانی که پاکستان یکی از رهبران طالبان پاکستان را با سه تن از همراهانش در ماه آگست 2022م به قتل رساند و ادعا نمود که این رهبر مسئول کشتار محصلین نظامی بوده که در سال 2014م رخ داد و منجر به کشته شدن 126 محصل نظامی گردید، توافق مذکور نقض گردید

و در پی آن بود که درگیری‌های اخیر به تاریخ 15 دسمبر 2022م رخ داد و 16 غیر نظامی پاکستانی در اثر آن مجروح گردیدند؛ درگیری که در کمتر از یک هفته دو بار میان نیروهای مرزی پاکستان و افغانستان اتفاق افتاد. سپس گذرگاه مرزی چمن برای یک هفته مسدود گردید؛ گذرگاهی که یکی از شلوغ‌ترین گذرگاه‌ها و راه‌های تجارتي اصلی به شمار می‌رود. بعد از آن به تاریخ 20 دسمبر 2022م مسئولین بلندرتبه نظامی و غیرنظامی دو طرف در دروازه دوستی پاکستان - افغانستان با یکدیگر دیدار نمودند تا چگونگی تلاش‌های صلح و آرامش در مرز دو طرف را به بررسی گیرند؛ آرامشی که در پی تنش‌های موجود در مناطق مرزی با درگیری‌ها و حملات متقابل متعدد میان نیروهای دو طرف مختل گردیده و پاکستان در پی آن مرزهای خود را در جریان آن به گونه موقت مسدود نمود؛ اما این دیدار و گفتگوها ناکام ماند و هیچ‌گونه نتیجه مؤثری در پی نداشت.

سوم) انگیزه این درگیری‌ها و دلیل تنش‌های داغ میان دو طرف:

پاسخ به این پرسش می‌طلبد تا به دو مسئله مهم دقت صورت گیرد: فشارها و اقدامات تحریک‌آمیز از جانب پاکستان و امریکا، که جزئیات آن قرار ذیل است:

الف) فشارها و اقدامات تحریک‌آمیز نظام حاکم در پاکستان:

1. اقدامات تحریک‌آمیزی که پاکستان در مرزهایش در برابر افغان‌ها انجام می‌دهد، مانند اعمال فشار و ممانعت از عبور و مرورشان، پرتاب موشک به داخل خاک افغانستان و نیز برپا نمودن مانع مرزی و اعمال آن به عنوان یک کار انجام شده و استحکام شدید مرزها. این اقدامات تحریک‌آمیز پاکستان، گروه طالبان حاکم در افغانستان را وادار به واکنش می‌نماید؛ طوری که در واکنش به پرتاب موشک، آنان نیز به جانب پاکستان موشک پرتاب می‌نمایند و بخش‌های از مانع مرزی را که اردوی پاکستان گذاشته در هم می‌شکنند و این واکنش‌ها منجر به برخورد داغ و افزایش تنش‌ها گردیده و هر دو طرف را در حالت آماده‌باش قرار می‌دهد.

2. همچنین، جنگ اردوی پاکستان بر علیه پشتون‌ها در پاکستان و موارد دیگری از این قبیل، مانند انتقال خط مرزی به داخل افغانستان. و نیز اعمال فشار بالای مهاجرین افغان و خانواده‌های پشتونی که به آسانی در دو سوی مرز رفت و آمد می‌کردند بدون این که کسی مانع آنان شود، تمام این موارد، اوضاع را چنان حساس نمود که منجر به درگیری‌های خونین برای گشودن مرز و اجازه یافتن مردم برای رفت و آمد و انتقال کالا گردید، سپس پاکستان فشارهایش را تشدید نمود و برای نخستین بار در طول تاریخ، افغان‌ها را وادار نمود تا برای تردد ویزا داشته باشند.

3. مسئله دیگری که تنش‌ها را تشدید بخشید این بود که نظام حاکم در پاکستان زمینه عبور هواپیماهای امریکایی به داخل افغانستان را آسان نمود تا به اهدافی در داخل افغانستان حمله نمایند، مانند حمله‌ای که منجر به درگذشت ایمن الظواهری رهبر گروه القاعده در کابل گردید، چنانچه قبلاً در اظهارات ملا محمد یعقوب به آن اشاره شد.

ب) فشارهای امریکا بالای حکومت طالبان:

1. به رسمیت شناخته نشدن حاکمیت طالبان در افغانستان در سطح جهانی و این که آن را عمل انجام شده می‌خوانند و همچنین شرط‌های فراوانی را که برای به رسمیت شناخته شدن گذاشته است؛ در حقیقت مسئله به رسمیت شناخته شدن توسط جهان تبدیل به سلاخی شده که بالای حکومت طالبان نصب کرده اند و این حکومت را با استفاده از آن، وادار می‌نمایند به شرط‌های جهانی تن دهد؛ شرط‌های مثل سهم‌دادن شماری از سکولرهای افغانستان و مزدوران سابق امریکا در حکومت و حقوق زن و درخواست‌های ساخته‌گی و انتقاد از گروه طالبان در ارتباط به آن.

2. مسدود نمودن دارایی‌های افغانستان در خارج و منع حکومت جدید از استفاده آن؛ حتی از مصرف بخشی از آن در موارد غیرحکومتی، یعنی برای تضعیف حاکمیت گروه طالبان و نیز اعمال فشار برای ایجاد سازمان‌های جامعه مدنی در داخل افغانستان که با غرب در ارتباط باشد.

3. ایالات متحده می‌خواهد مرزهای هند با پاکستان آرام باشد تا هند بتواند بالای چین تمرکز کند. برای این کار لازم است پاکستان درگیر حوادث مرزی‌اش با افغانستان باشد. پس نمی‌گذارد درگیری‌ها میان پاکستان و افغانستان آرام شود و به این ترتیب، جبهه جنگ میان پاکستان و هند آرام می‌ماند و در نتیجه هند فرصت می‌داشته باشد بالای چین تمرکز نماید.

ج) وقتی فشارهای وارده بالای طالبان توسط امریکا و پاکستان را بررسی نماییم، به خصوص با توجه به این که پاکستان در حال حاضر زیر حاکمیت نظامی به سر می برد که به شدت وابسته به امریکا می باشد؛ نظامی که پس از به قدرت رسیدن شهباز شریف به تاریخ 11 اپریل 2022م بر سر کار آمد و در نتیجه حکومت موجود پاکستان هیچ گونه روابط بین المللی و سیاست خارجی را به پیش نمی برد؛ مگر در چهارچوب خواسته های امریکا. اگر تمام این موارد را کنار هم قرار دهیم، نتایج زیر به دست خواهد آمد:

1. علی رغم آن که امریکا توافق نامه صلح با گروه طالبان را در سال 2020م در دوحه، پایتخت قطر امضا نمود و گروه طالبان به نام امارت اسلامی افغانستان متعهد شد که "هرگز اجازه نخواهد داد از خاک افغانستان تهدیدی متوجه امنیت امریکا و همپیمانان آن شود و این که از گروه ها و افرادی در افغانستان، که تهدیدی برای امنیت امریکا و همپیمانان آن باشند، جلوگیری خواهد نمود و همچنین اجازه نخواهد داد چنین گروه ها و افرادی در افغانستان سربازگیری نموده، تمرینات نظامی انجام دهند و یا تمویل شوند و هرگز از آنان استقبال نخواهد نمود" و این که "امریکا و امارت اسلامی سعی خواهند نمود با یکدیگر روابط مثبت داشته باشند." علی رغم تمام این توافقات صورت گرفته در دوحه، باز هم خاک افغانستان هنوز در معرض حملات امریکا قرار دارد؛ چنانچه جوزف بایدن، رئیس جمهور امریکا به تاریخ 1 اگست 2022م در صفحه رسمی اداره حکومت امریکا اعلام نمود که: «امریکا در یک حمله هوایی به کابل، پایتخت افغانستان، ایمن الظواهری، رهبر القاعده را به قتل رسانیده است.» و نیز چنانچه در اظهارات فوق ملامحمد یعقوب نیز به آن اشاره شد. تمام این واقعیت ها بیان گر آنست که امریکا هنوز با استفاده از دستگاه استخباراتی، جاسوسان و مزدورانش در افغانستان فعال می باشد و این که پاکستان هنوز زیر نفوذ امریکا قرار دارد؛ چنانچه امریکا از خاک آن حرکت نموده و فعالیت هایش را در افغانستان در هماهنگی با آن به پیش می برد.

2. همچنین درگیری های مرزی میان افغانستان و پاکستان بیان گر اینست که با تشویق و انگیزه دهی امریکا صورت می گیرد و هدف از آن، مشغول نگه داشتن پاکستان به درگیری های مرزی است تا هند بتواند بالای چین تمرکز کند. هدف دیگر اینست که طالبان، به خصوص شبکه حقانی را وادار نماید برخی از توافقات یا افکار بین المللی را بپذیرد و تسلیم امریکا شود. لازم به ذکر است که شبکه حقانی بخشی از گروه طالبان می باشد و حملات زیادی که در افغانستان علیه نیروهای امریکایی و نیروهای ناتو صورت گرفته، به این شبکه نسبت داده می شود.

چهارم: در اخیر باید گفت که امریکا و طرف هایی که به صفت مزدوران و پیروان آن عمل می نمایند، اصل و اساس فساد در سرزمین های مسلمانان به شمار می روند؛ زیرا امریکا و پیروان آن هیچ گونه اهمیتی برای هیچ مؤمنی قایل نیستند.

﴿ هُمْ الْعَدُوُّ فَأَحْذَرُهُمْ ﴾ [منافقون: 4]

ترجمه: آنان دشمن اند، پس از آنان برحذر باش!

بنابر این، جای تعجب است که مسئولین حکومت طالبان، با وجود تمام موارد فوق الذکر، با مسئولین امریکایی در قطر دیدار نمایند؛ امریکایی که پیوسته در کمین افغانستان و تمام مسلمانان نشسته و هیچ گونه احترامی به پیمان های خود قائل نیست؛ چنانچه برخلاف توافق دوحه، دارایی های افغانستان را مسدود نمود و حریم زمینی و هوایی آن را نقض کرد؛ بلی، دولت های استعمارگر کافر چنین اند؛ زیرا کفر ملت واحد است و به هیچ عهد و پیمانی پایبند نیستند.

شکی نیست که واقعیت مسلمانان امروز بهبود نخواهد یافت؛ مگر با همان چیزی که اول آن بهبود یافته است که همانا حکم بما أنزل الله در چهارچوب خلافت بر منهج نبوت می باشد؛ خلافتی که کفار را فراری خواهد داد.

﴿فَبِمَا تَتَّقْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدَ بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ﴾ [انفال: 57]

ترجمه: اگر آن ها را در (میدان) جنگ بیایی، آن چنان به آن ها حمله کن که جمعیت هایی که پشت سر آن ها هستند، پراکنده شوند؛ شاید متذکر گردند (و عبرت گیرند).

خلافتی که قانون اساسی آن را اسلام به شمول کتاب الله جل جلاله و سنت رسولش صلی الله علیه وسلم و منابع دیگری تشکیل می دهد که قرآن و سنت به آن رهنمود کرده است؛ به شمول اجماع اصحاب و قیاس شرعی؛ نه قانون وضعی؛ چه این قانون،

قانون سال 1964م زمان محمد ظاهر شاه افغانستان باشد که اعتبار آن در سال 1973م پایان یافت؛ اما طالبان به تاریخ 28 سپتمبر 2021م توسط وزیر عدلیه‌اش اعلام نمود که آن قانون اساسی را اعتبار می‌دهد. (منبع: الجزیره و اناضول 28 سپتمبر 2021م) و یا سایر قوانین اساسی وضعی باشد که در سایر سرزمین‌های مسلمانان تطبیق می‌گردد. تمام این قوانین برخلاف دساتیر الله سبحانه و تعالی است.

﴿وَأَنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ﴾ [مآءده: 49]

ترجمه: و (تو ای پیامبر) به آنچه الله فرستاده میان آنان حکم کن و پیرو خواهش‌های ایشان مباش، و بیندیش که مبادا تو را فریب دهند و در بعض احکامی که الله به تو فرستاده تقاضای تغییر کنند؛ پس اگر از حکم الله روی گردانیدند (باک مدار) بدان که الله می‌خواهد آن‌ها را به عقوبت بعض گناهان‌شان گرفتار سازد و همانا بسیاری از مردم فاسق و بدکارند.

دلیل تمام این مصیبت‌ها، فتنه‌ها و آزمندی‌های کفار استعمارگر در سرزمین‌های مسلمانان اینست که این امت از حاکمیت قوانین الهی در چهارچوب دولت خلافت راشد بر منهج نبوت فاصله گرفته اند. این واقعیتی است که بر کسی پوشیده نبوده و برای هرکسی که درک داشته و بصارت و بصیرتی داشته باشد، معلوم و آشکار است.

افغانستان و پاکستان را امریکا با یکدیگر درگیر نموده و دو طرف نمی‌دانند که گناه درگیری میان مسلمانان بسی سنگین است و نمی‌دانند که در اصل هر دو باهم باید به سراغ دشمنان واقعی خود که همانا امریکا و هند باشد بروند؛ امریکا و هندی که آتش این درگیری‌ها را بر افروخته و از آن برای تحقق اهداف خبیثانه خود استفاده می‌نمایند. برای افغانستان و پاکستان زبیده و لازم اینست که روابط برادرانه اسلامی را در میان خود استحکام بخشیده و هرگونه ارتباط خویش را با امریکا، که رهبر کفار است و با سایر دولت‌های کفری استعمارگر و طماع قطع نمایند و این‌که فراخوان نصرت کسانی را که برای برپائی خلافت کار و پیکار دارند، بپذیرند تا باشد که اسلام و مسلمانان یکبار دیگر عزت خویش را به دست آورند و کفر و کفار خوار و ذلیل گردند!

﴿وَيَوْمَئِذٍ يُفْرَخُ الْمُؤْمِنُونَ (4) بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [روم: 4-5]

ترجمه: و آن روز مؤمنان شاد می‌شوند، به یاری الله؛ الله هر که را بخواهد نصرت و پیروزی می‌بخشد و اوست که مقتدر و مهربان است.

ششم رجب 1444 هـ.ق.

28 جنوری 2023م.

مترجم: عبدالله دانشجو